روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴ • ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۱۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۰۹ • اذان صبح فردا ۴:۳۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

در سال ۱۳۷۴، با آبگیری سد لفور، بسیاری از روستاهای زیبا و تاریخی این منطقه زیر آب رفتند و ساکنان آنها مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. با گذشت سال‌ها از آبگیری سد بسیاری از روستاهای این ناحیه خالی از سکنه شده‌اند، اما هنوز چند دامدار در این دیار مانده‌اند و با کمترین امکانات، روزگار خود را سپری می‌کنند.
عکس: حسن عیسی‌پور، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

آموزش غیرانتفاعی؛ دفاع یا مقابله؟

بابک زمانی
نورولوژیست

در حالی که جامعه ایرانی این روزها در التهاباتی کم‌سابقه به سر می‌برند، جامعه پزشکی در برابر دغدغه‌هایی قرار گرفته که مزید بر علت می‌شوند. پیام این یادداشت این است که نه آن التهابات بی‌ارتباط با گذشته‌ها و رویکردهای ما هستند و نه این دغدغه‌ها. دغدغه افزایش ظرفیت‌ها و صحبت‌هایی که درمورد دانشگاه غیرانتفاعی می‌شود، نه‌تنها حاصل ناکارآمدی در برنامه‌ریزی‌هاست، بلکه بیش از آن حاصل انفعال جامعه پزشکی و کوتاه‌آمدن غیراخلاقی او در طول سال‌های گذشته در برابر مسائل متعددی بوده است که بر سر راه کیفیت سلامت در کشور قرار می‌گرفت. وقتی آهسته‌آهسته در هر شهر و گاه روستا بدون کوچک‌ترین اعتنایی به ضوابط و معیارهای بین‌المللی، دانشکده پزشکی تأسیس، دانشجو گرفته و مدرک داده شد، جامعه پزشکی کدام واکنش جدی را به عمل آورد؟ وقتی برای شبه‌علم چندین دانشکده تأسیس شد، شبه‌علم صاحب معاونت در دستگاه اجرائی شد، ظرفیت‌های دانشکده‌ها حتی بیش از تعداد صندلی‌ها و به‌سرعت کپی پی‌دی‌اف‌های سرقتی افزایش یافت، جامعه پزشکی چه واکنش عملی نشان داد؟ بی‌عملی همراه با شکوه و شکایت مجازی و رسانه‌ای فقط عقده‌گشایی بوده و ممکن است حتی واکنش عملی را هم تضعیف کند. منظور از واکنش عملی اظهارنظر در فضای مجازی یا حتی صدور بیانیه نیست؛ واکنش عملی هرکس در هر مقام و موقعیتی هست در برابر سیستمی که حال و آینده سلامت مردم را نشانه گرفته است. در این میان قطعا مسئولیت‌ها متفاوت هستند، اما مهم آن است که هرکس مسئولیت خود را بشناسد. حتی اگر سیستمی منسجم پدید آمده باشد و عادت در غیاب ارتباطات بین‌المللی لباس عقل بر بسیاری بی‌خردی‌ها پوشانده باشد، باز هم مسئولیت اخلاقی هر آن که را با آن ارتباط دارد، زائل نمی‌کند. وزیر با قاطعیت گفتند وزارت بهداشت درخواست دانشگاه غیرانتفاعی را با سخت‌گیری و نظر منفی مورد بررسی قرار خواهد داد. بسیار عالی، اما در این جایگاه فقط دفاع کفایت نمی‌کند. وزارت بهداشت باید کلیه سیستم آموزش پزشکی کشور را با سخت‌گیری یک بار دیگر از فیلتر بگذراند. جایی را که امکان آموزش پزشکی در هر سطحی وجود ندارد، تعطیل یا تعلیق کند. این است آن وظیفه دشواری که بی‌تردید پیش پای این دستگاه اجرائی قرار دارد. قطعا کار آسانی نیست و با یک چرخش قلم نمی‌توان این مؤسسات را با سرعت تعطیل یا تعلیق کرد. مؤسسات متعددی که برای تحقیق تأسیس شدند ولی فقط به گسترش بادکش و زالو پرداختند، دانشکده‌هایی که در شهرهایی با کمترین امکانات از جهت کادر پزشکی تأسیس شدند و بخش‌های تخصصی و فوق‌تخصصی‌ای را که هرکدام فقط با تلاش بر پایین و بالا کردن اساسنامه‌های تأسیس و نه غنای علمی تأسیس شده‌اند، نمی‌توان یک‌شبه تعطیل کرد. به‌ویژه که این مؤسسات غیراستاندارد برای پاسخ به برخی نیازهای درمانی و نه آموزشی تأسیس شده‌اند. اما در هر حال می‌توان جهت‌گیری را از همان ابتدا روشن و اعلام کرد. همین اعلام رسمی ضرورت کاهش ظرفیت‌ها براساس معیارهای علمی و بین‌المللی است که می‌تواند قوی‌ترین مقابله با افزایش ظرفیت‌ها باشد. به‌راستی هم تا وقتی وزارت بهداشت و جامعه پزشکی حقایق موجود در باره کمیت فراتر از کیفیت آموزش در حال حاضر را نبینند و اعلام نکنند و عزم خود را در اصلاح آن اعلام نکنند، دستگاه‌های دیگر چگونه می‌توانند خواستار افزایش ظرفیت‌ها نشوند؟ وقتی این وظیفه دستگاه اجرائی روشن شد، جامعه پزشکی، انجمن‌ها و سازمان نظام پزشکی هم باید خواهان انجام آن باشند و این درخواست را وظیفه اخلاقی خود بدانند. سازمان نظام پزشکی باید مسئولانی را که بدون امکانات حداقلی تأسیس مؤسسات آموزش پزشکی را ممکن کرده‌اند، از نظر اخلاقی و طبق ضوابط خود مسئول بداند. این سازمان فقط مسئول نظارت اخلاقی بر نسخه‌های ما نیست؛ وظایف فراموش‌شده ما در صیانت از کیفیت آموزش و در نتیجه سلامت مردم هم بخشی از وظایف نظارتی این سازمان است. انجمن‌های علمی هم وظیفه دارند استانداردهای آموزش پزشکی در رشته خود در سطح دنیا را تحقیق و اعلام کنند و از تنها سازمان دارای نیمچه قدرت اجرائی خود، سازمان نظام پزشکی، نظارت بر آن را درخواست کنند. اینکه این سازمان و این نهادها فرسنگ‌ها از چنین وظایفی دور افتاده‌اند هیچ‌چیز از مسئولیت ایشان کم نمی‌کند. فقط در شرایطی که هیچ تلاشی برای دفاع از حریم دانش صورت نگرفته باشد و در عمل هیچ تلاشی برای تحدید این همه مؤسسه آموزشی غیراستاندارد پدید نیامده باشد، می‌توان حرف از آموزش فله‌ای «غیر» انتفاعی هم زد و البته هرآنچه در آینده در اذهان ضدعلمی جرقه بزند.

پیشخوان

فصلنامه مطالعات پارلمان منتشر شد

شماره جدید فصلنامه مطالعات پارلمان کوشیده است «مجلس و قانون‌گذاری» را نه‌تنها در هیئت نهادی رسمی، بلکه در قامت یک پدیده چندبُعدی مورد واکاوی قرار دهد. از تأملات جامعه‌شناسانه درباره اقتباس قوانین در ایران و نسبت آن با وجدان جمعی و همبستگی اجتماعی تا ایده‌های نوین در حوزه ابزارهای نظارتی، بودجه‌ریزی مشارکتی و نیز طرح دیدگاه‌هایی در باب اصلاح نظام انتخاباتی و ارتقای وجاهت نمایندگی، همه حکایت از دغدغه‌ای مشترک دارند: چگونه می‌توان مجلس را دوباره به آینه روشن خواست عمومی و نظام قانون‌گذاری کشور را به نظامی کارآمد بدل کرد؟ پرونده اول به پرسشی بنیادین بازمی‌گردد: قانون از کجا اعتبار می‌گیرد؟ در این بخش، موضوع «زمینه اجتماعی قانون» در مرکز توجه قرار گرفته است. افزون بر این سه پرونده اصلی، شماره حاضر بخش‌هایی تکمیلی نیز دارد که نگاه ما را به ابعاد کمتردیده‌شده پارلمان می‌کشاند؛ از ابزارهای فناورانه در قانون‌گذاری گرفته تا سازوکارهای نظارتی، مالی، فرایند احراز صلاحیت و حتی روایت‌هایی از تجربه نمایندگان از فرایندهای درونی مجلس. این مطالب به ما یادآور می‌شوند که پارلمان امروز نه صرفا «کارخانه تولید قانون»، بلکه نهادی پیچیده است که براساس درهم‌تنیدگی میان جامعه، اقتصاد و سیاست عمل می‌کند.

اگر بخواهیم مسیر این شماره را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم همه پرونده‌ها و ضمایم آن به پرسش واحدی پاسخ می‌دهند: چگونه می‌توانیم میان قانون، سیاست و جامعه پلی پایدار بنا کنیم؟ حدیثه ربیعی، سردبیر فصلنامه مطالعات پارلمان، در متنی از همه خوانندگان دعوت کرده است: «این فصلنامه را نه صرفا به‌عنوان مجموعه‌ای از مقالات مختلف، بلکه همچون یک گفت‌وگوی زنجیره‌وار ببینید. هر پرونده پرسشی را مطرح می‌کند که پرونده بعدی در تلاش برای ارائه پاسخی تازه برای آن خواهد بود».

طنزخوانی

رابطه سمی مردم و سودجو خوشگله

آیدین سیارسریع

امروز اصلا در مود مکانیسم ماشه و بحث‌های سیاسی نیستیم. حقیقتش کشش آن را هم نداریم. فقط این خبر توجه‌مان را جلب کرد که آقای صمصامی، نماینده مجلس، گفته: «از ماشه داخلی بیشتر نگرانیم». در ادامه هم از سودجویانی گفته که از نوسان بازار ارز سوءاستفاده و به‌اصطلاح خون مردم را در شیشه می‌کنند. البته این اصطلاح خون و شیشه نقل‌قول مستقیم از ایشان نیست و من از خودم درآورده‌ام. ولی واقعا باعث تعجب است که این ملت مگر چقدر خون دارد که سودجو هر چقدر در شیشه می‌کند تمام نمی‌شود. اصلا این همه شیشه از کجا می‌آید؟ بعید می‌دانم سودجو پول شیشه را از جیب بدهد. احتمالا وقتی خون ما را می‌مکد، یک مبلغی را هم به‌عنوان کارمزد می‌گیرد که با همان می‌رود شیشه می‌خرد. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که این روند اهدای خون تا کی قرار است ادامه داشته باشد؟ باور کنید این خون قابل شما را ندارد ولی راستش دیگر رنگ به رخسارمان نمانده. ترند امسال (زرد کَره‌ای) شده‌ایم. مرام هم ندارند سودجوها. نامردها نمی‌کنند برای ما که این همه خون ازمان رفته حداقل یک پک شکلاتی، یک لیوان آب‌اناری، دو سیخ جیگری چیزی بخرند که لااقل عکسش را در توییتر بگذاریم و بنویسیم «سودجو خوشگله امروز اینجوری سورپرایزم کرد». عادت کرده‌اند فقط بمکند و بروند. بمک دررو شده‌اند سودجویان.

آقای صمصامی در ادامه ضمن ابراز نگرانی از سودجویان و سفته‌بازان داخلی با بیان مثالی گفته: «صادرکننده قیر، به‌جای ارز، طلا وارد می‌کند و طلای وارداتی را با دلار ۱۲۰ هزار تومان در داخل می‌فروشد». خیلی هم عالی. ما اینجا زیر فشار قیرمان درآمده، بعد سودجوی قیری‌مقام به ازای هر دلار، ۲۰، ۳۰ هزار تومان سود می‌کند. کسی هم نیست بگوید این قیری‌بازی‌ها چیه شما درمیارید. فردا از همین‌ها بپرسیم چرا وضع اقتصاد اینجوری است؟ با ناراحتی می‌گویند تحریمیم دیگر. تحریم که برای تو بد نشد سودجو. تو باید با خوشحالی بگویی تحریمیم دیگر! زیاد ذهن خوشگلت را درگیر این قضایا نکن. برو ویلایت را بساز و عشق و حالت را بکن. چون طبق اصل پایستگی سودجو، دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی. ما هم در عبدالکریمی‌لند (از این به بعد به‌جای لالالند از این واژه استفاده می‌کنیم) کیسه‌کیسه میوه می‌خریم و در پارک‌ها بوی کباب راه می‌اندازیم و خوراکی‌های خون‌ساز می‌خوریم که فردا که آمدید خون ما را در شیشه بکنید، خدای نکرده شرمنده نشویم. اگر هم دیدی خون نداشتیم، ما را ضایع کن تا قیر شویم که بعد بتوانی صادرمان کنی. خلاصه ما همه‌جوره در خدمتیم. تعارف نکن.

اتفاق‌خوانی

۴۴ پیکر شهدای تفحص‌شده وارد ایران می‌شود

سردار باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح گفت: یکشنبه ۱۳ مهرماه پیکرهای طیبه ۴۴ شهید تازه‌تفحص‌شده که در مناطق عملیاتی جنوب عراق پیدا شده‌اند، در مرز شلمچه مورد استقبال مردم قرار خواهند گرفت. جمعی از برادران اهل سنت ترکمن‌صحرا نیز به نمایندگی از ملت ایران برای استقبال از شهدا در مرز حضور پیدا خواهند کرد. این شهدای عزیز مربوط به عملیات‌های والفجر مقدماتی، والفجر ۱، محرم، کربلای ۴ و ۵، خیبر، بدر، رمضان و تک‌پشتیبانی در عملیات والفجر ۸ بوده و در مناطق عملیاتی فکه، شرهانی، شرق دجله، جزیره مجنون، شلمچه، جزایر ام‌الرصاص و ام‌البابی تفحص شده‌اند.

سفرخوانی

نروژ و افسانه اقتصاد آزاد

علی مرسلی

نروژ به‌طور مداوم در گزارش‌های جهانی شادکامی در میان شادترین کشورهای جهان قرار می‌گیرد. دلایل این جایگاه را می‌توان در پیوند چند عامل کلیدی جست‌وجو کرد. نخست، رفاه اقتصادی پایدار است؛ درآمد سرانه بالا و وجود صندوق ثروت ملی عظیم حاصل از نفت و گاز پشتوانه‌ای مطمئن برای امنیت مالی شهروندان فراهم کرده است. نرخ بیکاری پایین و توزیع نسبتا عادلانه ثروت نیز استرس اقتصادی را کاهش می‌دهد. در کنار این، نظام رفاه اجتماعی گسترده با آموزش و درمان تقریبا رایگان، یارانه‌های سخاوتمندانه برای مسکن، فرزند و دوران بیکاری و مرخصی طولانی والدین حس امنیت و آرامش را تقویت می‌کند. اعتماد بالای مردم به دولت، شفافیت نهادهای عمومی و فاصله طبقاتی کم نیز فرهنگ برابری‌طلبی و احساس عدالت اجتماعی را پررنگ کرده است. عامل مهم دیگر، طبیعت بکر و فرهنگ زندگی در فضای باز است. مناظر کوهستانی، فیوردهای چشمگیر و هوای پاک فرصت‌های بی‌پایانی برای ورزش و فعالیت در دل طبیعت فراهم می‌آورد. سنت «Friluftsliv» یا «زندگی در هوای آزاد» سلامت جسم و روان را تقویت می‌کند. علاوه بر این، تعادل کار و زندگی در نروژ شاخصه‌ای کلیدی است؛ ساعت کاری معقول، مرخصی سالانه زیاد و ارزش‌گذاری بالای زمان فراغت به کاهش استرس شغلی و افزایش رضایت فردی کمک می‌کند.

ترکیب این عناصر -امنیت اقتصادی، خدمات اجتماعی قوی، اعتماد متقابل، طبیعت زیبا و سبک زندگی متعادل- باعث شده نروژی‌ها به‌طور پیوسته در صدر فهرست شادترین ملت‌های جهان قرار گیرند. اما این مدل رفاه و شادکامی، برخلاف تصور رایج از «اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری خالص»، با دولتی مداخله‌گر و نیرومند پیوند خورده است. نروژ یک دولت رفاه کلاسیک دارد و در طول تاریخ معاصر اغلب دولت‌های موسوم به چپ بر سر کار بوده‌اند. این دولت‌ها سیاست‌های منسجم پرداخت یارانه و اخذ مالیات بالا را پیاده کرده‌اند.

برای تأمین این هزینه‌ها، دولت نروژ بر منابع مالی متنوع و پایدار تکیه دارد. ستون نخست، صنعت نفت و گاز دریای شمال است. دولت با مالکیت عمده در شرکت دولتی Equinor و دریافت مالیات‌های سنگین بر سود تولید نفت و گاز (تا حدود ۷۸ درصد)، سالانه میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کند. مقایسه با آمریکا نشان می‌دهد که نروژ به‌مراتب منسجم‌تر از ایالات متحده از شرکت‌های نفت و گاز مالیات می‌گیرد. علاوه بر آن، مقررات سخت‌گیرانه زیست‌محیطی موجب شده قیمت سوخت در نروژ در سال ۲۰۲۵ حدود ۲.۵ برابر آمریکا باشد. بخش بزرگی از این درآمد مستقیما وارد بودجه جاری نمی‌شود، بلکه در صندوق ثروت ملی نروژ (Government Pension Fund Global) ذخیره و در بازارهای جهانی سرمایه‌گذاری می‌شود. این صندوق که بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری دولتی جهان است، هر سال حدود سه درصد از ارزش خود را به بودجه کشور اختصاص می‌دهد و به این ترتیب منبعی پایدار برای تأمین یارانه‌ها فراهم می‌آورد. ستون دوم، ساختار مالیاتی گسترده و کارآمد است: مالیات بر درآمد شخصی با نرخ‌های تصاعدی، مالیات بر ارزش افزوده ۲۵درصدی برای بیشتر کالاها و خدمات، مالیات شرکت‌ها و عوارض محیط‌زیستی همچون عوارض کربن. صنایع شیلات و آبزی‌پروری (به‌ویژه صادرات سالمون)، انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری و کشتیرانی نیز به این درآمد کمک می‌کنند.

نمونه روشن مداخله‌گری دولت، کنترل سخت‌گیرانه بر کالاهای آسیب‌رسان است: قیمت سیگار و مشروب در نروژ بسیار بالاست و خرید آنها دشوار است؛ فروشگاه‌های عرضه مشروبات الکلی دولتی‌اند و ساعات فعالیت محدودی دارند.

این منابع مالی گسترده امکان اجرای سیاست‌های یارانه‌ای فراگیر را فراهم کرده است. دولت به کشاورزان پرداخت‌های مستقیم برای هر رأس دام یا هر هکتار زمین می‌دهد، برای مناطق سردسیر و کوهستانی یارانه‌های ویژه اختصاص می‌دهد و از قیمت محصولات حمایت می‌کند تا امنیت غذایی و پایداری روستاها حفظ شود. در حوزه انرژی و محیط زیست، یارانه نیروگاه‌های برق‌آبی و بادی و مشوق‌های سخاوتمندانه برای خرید خودروهای برقی گذار به اقتصاد کم‌کربن را تسریع می‌کند. در بخش رفاه اجتماعی نیز کمک‌هزینه مسکن، پرداخت ماهانه برای فرزندان، بیمه بیکاری، مرخصی والدین با حقوق، خدمات درمانی یارانه‌ای و آموزش عمومی و دانشگاهی رایگان، همگی از همین بودجه تأمین می‌شوند. به این ترتیب، ترکیب درآمد نفت و گاز، بازده عظیم سرمایه‌گذاری صندوق ثروت ملی و نظام مالیاتی کارآمد پایه‌های مالی استواری برای دولت نروژ ایجاد کرده است تا یکی از سخاوتمندانه‌ترین نظام‌های رفاه اجتماعی جهان را حفظ کند. در دنیای امروز که اقتصاد اتریشی و کوچک‌سازی دولت و «اقتصاد آزاد بدون دخالت» تبلیغ می‌شود، واقعیت‌های آمریکا و نروژ چیز دیگری می‌گویند.

ایالات متحده هم به کشاورزی یارانه می‌دهد (حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال) و ابزارهایی همچون تعرفه‌های واردات -که در دوره ترامپ برجسته شد- خود نوعی حمایت از تولیدکننده داخلی است. در عمل، دولت کاملا غیرمداخله‌گر وجود خارجی ندارد؛ تفاوت فقط در میزان و شیوه مداخله است و اجرای الگوی نروژ یا آمریکا به شرایط بومی، جمعیتی و فرهنگی هر کشور وابسته است.v